



تیتروز

وزیر اقتصاد درباره ادعای نامزدهای انتخاباتی و اموال شان: ادعاهایشان سندیت ندارد، باور نکنید

مردم: ای بابا... خوب شد گفتین داشتیم باور می کردیم ها!

تولید خودروی سواری در یک خودروسازی کشور ۲ برابر شد

دارکوب: کاش همه چیزش کامل باشه و لازم نباشه خریدار از اول چرخ و اختراع کنه!

رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی: باید اینها (انتگرال) کنار بیرون تا جابجایی مهارت و سبک زندگی باز بشود

دانش آموزان: اتفاقا انتگرال اصل سبک زندگی بود، ملاط نصف شوخی های شوهر عمه هارو تشکیل می داد!

فرامرز قریبیان از سینمای ایران خدا حافظی کرد

مردم: الان فقط مونده فهمیدن فرق بین فریبرز عرب نیا و ابوالفضل پور عرب!

غلامپور: کتک زدن چشمی در شخصیت من نیست

تخصص من فقط شکستن گردن و کمر سرمربی هاست!

دی روز نامه

اصل نقد اینه، نه اون!



علیرضا کاردار طنزپرداز

بحث مهم این روزهای جامعه، جشنواره فجر، فیلم ها و حاشیه هایش است. البته بعد از بحث ویروس کرونا، گرانی، اموال کاندیداها، انواع یارانه ها، موج سرما و بحث های کم اهمیت دیگر! جشنواره فجر همیشه حاشیه داشته است، مخصوصا انتقاد از رای ها و جایزه ها و قهر کردن های فیلم سازان که «من این جایزه را نمی خواهم ولی حالا چون اصرار می کنید می برم» یا «چون بهم جایزه ندادین منم دیگه فیلم نمی سازم... البته از ۳۰ سال آینده!» ولی امسال این جر و بحث ها بیشتر در میزگردهای نقد و پرسش و پاسخ فیلم ها دیده می شود. نمونه اش جواب هادی حجازی فر به خبرنگاری که به ساخت آتابای به زبان غیر فارسی اعتراض داشت و گفت «مگه تو صاحب سینمایی؟» که خب لابد خود آقای حجازی فر صاحب سینماست و چشم دیدن صاحب جدیدی برایش ندارد! یا واکنش ابراهیم حاتمی کیا به خبرنگاران که گفته بود «این چه زبان بی حیاییه» که شاید اگر از ایشان و فیلمش تقدیر و تعریف می شد، زبان باحیا می شد! یا در جواب خبرنگار دیگری گفت «به شما چه مربوط است که من چگونه باید نشون بدم» که خب کلا به کسی مربوط نیست فیلم ساز چگونه فیلم بسازد و ما فقط وظیفه داریم بلیت بخریم و فیلم را ببینیم و به به و چه چه کنیم!

البته در این که باید در همه زمینه ها احترام متقابل باشد و هر کسی جایگاه خودش را بداند و وظیفه اش را فراموش نکند و این حرف ها، شکی نیست ولی اگر اوضاع همین طور ادامه پیدا کند و رابطه بین فیلم سازان و خبرنگاران با این فرمان پیش برود، بعید نیست در دوره های بعدی جشنواره اول جلسه نقد از خبرنگاران تعهد بگیرند که فقط از فیلم تعریف می کنید و گرنه حق ندارید پا به سالن بگذارید! یا به هر دو گروه فیلم ساز و خبرنگار اجازه دهند انواع و اقسام سلاح های سرد و گرم با خود به سالن بیاورند تا در زمین بی طرف هم بتوانند حرف خود را به طور منصفانه به کرسی بنشانند! شاید هم اجرای میزهای نقد را به استادانی مانند مسعود خان فرستی و سایر دوستان واگذار کنند که همان اول فاتحه فیلم و فیلم ساز و خبرنگار و منتقدان دیگر را بخوانند و خلاص!

عیدی کارمندان با حقوق بهمن واریز می شود



عش نکن، هنوز آن چنان رونق اقتصادی که قولش رو داده بودیم، مونده!

من... این همه... خوشبختی... محاله...

سوزه روز

همچنان دست هار ایشویم!

اولی: صبح همگی دوستان به خیر... می شه بگید اینا چیه به صورت تون ز دین؟
دومی: این که من زدم دبه ترشی بوده خالی کردیم حالا کشیدم سرم.
سومی: من هم از پاچه سلوار جین قدیمی که داشتم استفاده کردم.
اولی: یعنی به جای ماسک از شون استفاده کردین تا ویروس نگیرید؟
دومی: پ ن پ گذاشتیم و اسه خوش تیبی بیشتر.
اولی: اولاً که اوضاع اون قدر داغون نیست مجبور به این کار باشید، ثانیاً مسئولان قول دادن در تهیه ماسک و اسه مردم مشکلی پیش نیاد.
دومی: واقعا هم مشکلی پیش نیومده فقط شما برو دارو خونه ببین ماسک رو به چه قیمتی میدن.

توثیت روز

نسل ناهمهانگ!

● سال ۷۴ بابای من به پیکان داشت، صبح که می زد دنده یک راه می افتاد وسط های کوچه همسایه ها از پنجره التماس می کردن بزنه ۱۲!

● ماهایی که هنوز گوشه های من پشتمش به دونه دور بین داره باید بیشتر هوای همدیگر رو داشته باشیم!

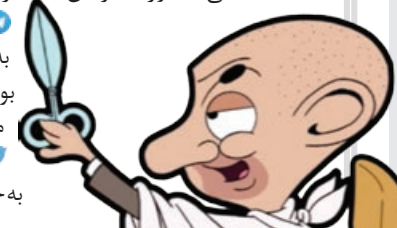
● بعضی ها با به ماسک هزار تومنی فکر می کنن دیگه ضدر ادیو اکتیو شدن! داداش برو اون طرف عطسه کن!

● تبلیغ پیامکی اومده: رویاندن مجدد موها بدون جراحی، بدون خون ریزی، بدون درد، بدون دارو و عوارض. من نمی فهمم چی کار می کنین پس؟ می شنیدید با موها حرف می زید و از شون خواهش می کنید دوباره در بیان؟! ● بچه بودیم صدا با تصویر هماهنگ نبود، بزرگ شدیم زیر نویس با تصویر هماهنگ نیست!

● عموم می خواست خبر مرگ یکی رو به فامیلش بده زنگ زد گفت پاشو بیا که فلانی به خورده مرخص شده بریمش سردخونه!

● من الان باید تو این سن رنگ می زدم به پسر می گفتم: «هر گوری تا حالا بودی همون جا بمون» نه این که خودم معلوم نباشه کدوم گوری ام!

● دخترهایی که خواهر دارن، خوش به حال شونه، چون دو تا کمد لباس دارن!



از اون لحاظ

کار تون روز

بیابین اینارو تحویل بگیرین، به صحنه هاتون اصلاحیه خورده، برای سانسور به کار تون میاد!



در حاشیه سانسورهای عجیب سریال های شبکه نمایش خانگی در کنار برنامه های تلویزیون

سومی: تازه دو سه میلیون ماسک هم فرستادن چین. بعید نیست اون قضیه پوشک درباره ماسک هم اتفاق بیفته به همت محترمان.

اولی: البته تولید ماسک رو باید بپرن بالا. من شنیدم در جهان به شرکت تولید کننده گوشه آیفون هم زده تو کار ماسک.

دومی: البته من می ترسم این جاشرکت دامپرووری و لاستیک سازی اقدام به صادرات ماسک کنن.

سومی: تازه به جام شنیدم کلاهدارها ماسکی رو به عنوان ماسک ضد کرونا با قیمت بالای می فروشن.

اولی: به هر حال به نظرم این چیزها رو از صورت تون بردارید و سعی کنید دست هاتون رو فعلا بیشتر بشویید.

سومی: ما داریم دست هامون رو هم می شویم. فقط شما صداش رو در نیار. می ترسم به سری دلال بشنون تو مایع دست شویی ها هم آب بزتن بریزن تو بازار.

کار تون روز

پدر ماساژ درمانی ایران دستگیر شد (ایسنا)



فال روز

ای صاحب فال، امروز به اطرافیان احترام بگذار، نه که قبلا نمی گذاشتی، بیشتر احترام بگذار. تا بفهمن که احترام چیز خوبییه و اوناهم بهت احترام بدارن!

شعر روز

تفاوت تقویم ما با مسئولان!

گفت مسئول با کمی لیخند:
شنبه قندان تان شود پر قند
شنبه آمد به جای قندش زهر
غیب شد رد پای او در شهر!
گفت مسئول: هفته دیگر
سرمربی بیاید از این در
هفته هار د شد و نیامد او
گفت: «آید» دوباره آن پررو!
گفت مسئول: هفته جاری
می شود خوب و وضع بیکاری
هفته هار د شد و نیامد کار
کار چون پونه گشت و ما چون مار!
گفت مسئول: کرده ام تحقیق
می دهم یک زمان خوب و دقیق
که بیاید حقوق تان بی شک
گر نیامد بگو به ما متلک
ماه هار د شد و نیامد پول
فرق دار د زمان هر مسئول!
الغرض من فدای تصمیمت
فرق دار د مگر که تقویت؟
می دهی قول و می زنی زیرش؟
شیوه ات را بده تو تغییرش
امیر حسین خوش حال



پیامک روز

پیامک ۰۰۰۰۹۹۹
تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

هر چه می خواهد دل تنگت بگو فقط...

نوشتن «دارکوب» ابتدای پیامک فراموش نشود!

● دارکوب میشه بگی چرا اسمت شد دارکوب؟ چرا کلاغ خیر چین نشد یا مرغ عشق و...؟!

نسرین ابادریان
دارکوب: چون دارکوب به قصد اصلاح نوک می زنه، ولی کلاغ خبرهای بی ربط رو جار می زنه و مرغ عشق هم عشق چشم هاش رو کور کرده!

● دارکوب درباره اجبار بعضی مدارس به خرید کتاب های کمک آموزشی هم مطلب بنویس. اگر این چیزها لازم است چرا همین مباحث را وارد کتاب های درسی نمی کنند تا این قدر به والدین و دانش آموزان فشار مالی و روانی وارد نشود؟

یک پدر نگران
دارکوب: حرف تون درسته ولی فشار مالی و روانی برای شماس، در کنارش سود مالی و روانی هم داره که به پد عده می رسه که خب همیشه ازش گذشت!

مواد لازم برای راه اندازی کافی شاپ



این روزها پول در آوردن یک کمی خلاقیت می خواهد و بس. از اینفلوئنسرها که می روند شلیک و بختیاری نوش جان می کنند و پول هم می گیرند که بگذریم با کمی خلاقیت، راه اندازی یک کافی شاپ خیلی نان دارد به خصوص نان تست و باگت فرانسوی. اما باید به یک سری چیزها توجه کنید:

- ۱- لوکیشن به شدت درب و داغان در حد منزل کلنگی و بازسازی نشده پدر بزرگ خدا بیامرزتان که گوشه و کنارش را پر کنید از گلدان اطلسی، گل یخ و صد البته از آن پیچ پیچکی ها. ترجیحا گلدان ها کوزه ای و سفالی باشد اما گل ها پلاستیکی تا در مصرف آب و وقت صرفه جویی شود.
- ۲- اگر لوکیشن شما جا دارد یک فولکس یا ژان یا لاقل دو چرخه ۲۸ هر کولس چینی و کرونا ندیده بیندازید وسطش.
- ۳- حتی اگر لوکیشن جا ندارد یک حوض با فواره کوچک تعبیه کنید. بالاخره شربت بهار نارنج ۱۵ هزار تومانی شما باید یک وجه تمایزی با همان که طرف در منزلش می خورد داشته باشد.
- ۴- یک سری کتاب و مجله قدیمی برای دکور تهیه کنید. دقت کنید جلد کتاب ها باید زرد شده و رنگ رویشان هم رفته باشد.
- ۵- به جای این که پول بدهید برای لیوان و فنجان، نوشیدنی سرد را در شیشه مریا و نوشیدنی گرم را در قوطی و اکس و شیر خشک سرو کنید.
- ۶- آخ نزدیک بود فراموش کنم، یک گرامافون یا رادیوی قدیمی هم بخرید یک گوشه بیندازید.

صابر مصطفایی